

نظریه‌سازی در جامعه‌شناسی

ارزیابی انباشتگی نظری

«مباحث مهم در نظریه‌های جامعه‌شناسی»



جامعه‌شناسان

میرشناسه: اچ. ترنر، جانانان
عنوان و نام پدیدآور: نظریه سازی در جامعه شناسی ارزیابی اثباتی نظری «مباحث مهم در نظریه های جامعه شناسی»
مؤلف: جانانان. اچ. ترنر
مترجم: صمد عابدینی، ربابه پور جیلی

مشخصات نشر: جامعه شناسان
مشخصات ظاهری: ۱۸۴ ص
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۳-۳۳۷-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیا
یادداشت: عنوان اصلی: Theory building in sociology: assessing theoretical cumulation, c1989
یا داشت: ارزیابی اثباتی نظری «مباحث مهم در نظریه های جامعه شناسی»
موضوع: جامعه شناسی -- کنگره ها
صوبه: جامعه شناسی -- فلسفه -- کنگره ها

نسخه افزوده: ترنر، جانانان اچ. ۱۹۴۲ - م. ویراستار، Turner, Jonathan H
شناسه افزوده: ۱۳۵۲ - مترجم
شناسه افزوده: عابدینی، صمد، ۱۳۵۲ - مترجم
شناسه افزوده: پور جیلی، ربابه، ۱۳۵۳ - مترجم
رده بندی کنگره: ۱۳۹۰ HM ۲۱۰
رده بندی دیویی: ۳۰۷
شماره کتابشناسی ملی: ۷۷۴۴



جامعه شناسان

نظریه سازی در جامعه شناسی: ارزیابی اثباتی نظری «مباحث مهم در
نظریه های جامعه شناسی» جانانان. اچ. ترنر صمد عابدینی، ربابه پور جیلی

چاپ اول: ۱۳۹۵ تهران/ تعداد ۲۰۰ نسخه
قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان/ چاپ دیجیتال: نگین
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۳-۳۳۷-۰
همه حقوق چاپ نشر برای ناشر محفوظ است.

حروفچینی، نمونه خوانی و صفحه آرایی: جامعه شناسان
ویراستاری: گروه ویراستاری انتشارات جامعه شناسان

فروشگاه و نمایشگاه مرکزی:

تهران، خیابان انقلاب، رویروی درب اصلی
دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، پلاک ۲۱۷
فروشگاه جامعه شناسان
تلفن: ۶۶۰۰۰۵۱، ۶۶۰۰۰۵۰
تلفن دفتر نشر: ۶۶۹۶۹۶۲۰

این اثر، منعمول قانون حمایت مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب
۱۳۴۸ است، هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مؤلف
(ناشر) نشر یا پخش یا عرضه کند مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

عنوان	صفحه
پیشگفتار	۷
مقدمه مؤلف	۹
فصل اول مقدمه	۱۵
آیا جامعه‌شناسی می‌تواند یک علم انباشتی باشد؟	۱۵
فصل دوم رشد نظریه - فرایندهای اجتماعی و فراترظریه	۳۱
رشد تئوریک و فرامندی	۴۳
فرایندهای اجتماعی و فراترظریه	۴۷
ماهیت فرایندهای سازمان یافته معین	۴۸
بعضی دستورالعمل‌ها در زمینه فرامندی و فراترظریه	۵۱
فصل سوم ساختار جایگاه‌های اجتماعی و ساختار روابط اجتماعی	۵۵
نظریه جامعه‌شناسی کلان ساختار اجتماعی	۵۶
تأثیرات اصلی بر نظریه من	۶۰
جایگاه‌های اجتماعی مختلف و شبکه روابط اجتماعی	۶۶
ماهیت انتزاعی تئوری	۷۲
فصل چهارم بنیادهای انتخاب عقلانی نظم اجتماعی	۷۷
تعریف نظم اجتماعی از دیدگاه دست نامرئی	۷۸
تبیین‌های انسجام بخش از نظم اجتماعی	۸۱
نظریه انسجام گروهی	۸۴
توجیه نوسان در انسجام گروهی	۸۶
نمودار ۱: عوامل تعیین کننده انسجام گروهی	۹۱
ظهور کنترل‌های رسمی	۹۲
مفاهیم ضمنی در مورد مسئله نظم اجتماعی	۹۵
فصل پنجم پارادوکس نظم اجتماعی	۱۰۱
اصل آگاهی	۱۰۷
اصل آستانه قدرت و انسجام	۱۱۰
حمایت قانونی	۱۱۳

۱۱۷	اصل فرهنگ: مفاهیم فردی و اجتماعی
۱۲۴	نتیجه مشاهدات
۱۲۵	فصل ششم رمز، ساختار و کنش
۱۲۵	نظریه ساختاربندی
۱۲۸	نظریه‌های مربوط به عملکردهای تحول‌آفرین
۱۲۸	اقتصادی، سیاسی، هنجاری و استدلالی
۱۳۱	چارچوب مرجع نظریه عام کنش
۱۳۱	۱. پیچیدگی نمادین بالا و احتمال بالای کنش
۱۳۱	۲. پیچیدگی نمادین بالا و احتمال پایین کنش
۱۳۲	۳. پیچیدگی نمادین پایین و احتمال پایین کنش
۱۳۲	۴. پیچیدگی نمادین پایین و احتمال بالای کنش
۱۳۵	سیستم‌ها کنش سبب‌گرایی و واقع‌گرایی تحلیلی
۱۳۹	یک نظریه عام تولید بازتولید ساختارهای نابرابری
۱۴۰	قانون موفقیت اقتصادی
۱۴۱	قانون انباشتی قدرت سیاسی
۱۴۲	قانون جبر مشارکتی
۱۴۳	قانون تعمیم‌گفتمانی
۱۴۵	ملاحظات پایانی
۱۴۷	فصل هفتم به سمت نظریه خرد ساختار
۱۴۸	تنوری کالینز درباره کنش متقابل مناسکی
۱۵۳	نظریه ترنر درباره کنش متقابل
۱۶۱	نتیجه‌گیری
	فصل هشتم تفسیر و اظهار نظرها بعضی از بازتاب‌های نظریه‌پردازی اجتماعی در
۱۶۳	جامعه‌شناسی
۱۶۶	سنت کلاسیک اروپایی
۱۶۸	دوراهی سودگرایی
۱۷۵	از تبیین نظری تا تبیین تجربی
۱۸۰	نتیجه: تجزیه جامعه‌شناسی
۱۸۲	فهرست منابع

این فصل‌ها همانند سایر کتاب‌های این مجموعه که توسط خودم و جفری الکساندر مورد نظارت قرار گرفته، نسخه‌های بازبینی‌شدهٔ مقالاتی است که در کنفرانس کوچک (مینی کنفرانس) بخش تئوری در گرده‌مایی سالیانهٔ انجمن جامعه‌شناختی آمریکا قرائت شده‌اند. هدف از تشکیل این مینی کنفرانس در سال ۱۹۸۷، گرده‌م‌آوری گروه متنوعی از نظریه‌پردازانی بود که در زمینهٔ فرایندهای اساسی اجتماعی به ارائهٔ الگوها و پیشنهاداتی پرداخته‌اند. بنابراین این کتاب، به‌طور قطع دارای لحنی اثبات‌گرا است، زیرا همهٔ نظریه‌پردازان در صفحات این کتاب، فرض را بر این می‌گذارند که ویژگی‌های تغییرپذیری در جهان وجود دارند که ارائهٔ الگوها و پیشنهادات مجمل بر مبنای آنها امکان‌پذیر است و می‌تواند دانش جامعه‌شناختی را به‌عنوان یک علم به پیش ببرد؛ همچنان‌که در زمینهٔ سایر علوم نیز می‌تواند چنین شرایفی داشته باشد. این مؤلفان ظاهراً طیف کاملی از فعالیت خلاقانه در نظریه جامعه‌شناختی را ارائه نمی‌کنند و حتی فعالیت موجود در جناح اثبات‌گرایی از انجمن جامعه‌شناختی را نیز از خود نشان نمی‌دهند. با این وجود، این مجموعه با حدار همهٔ نظریه‌پردازان اجتماعی به‌خاطر اینکه تراکم را در یک رشتهٔ تنگ و وسیع و التقاطی تعریف کرده و گسترش داده‌اند، قدردان باشد. از آنجاکه این مجموعه از کتاب‌ها از محل مینی کنفرانس با تراکم آغاز می‌شوند، کار حرفه‌ای اعضای این بخش مشخص‌تر می‌شود، بدین ترتیب هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت، همهٔ ما باید از جفری الکساندر به‌خاطر آشناسازی ما با ایدهٔ مینی کنفرانس و نیز مذاکرات اصیل او در زمینهٔ ایجاد رابطهٔ سازنده بخش تئوری با انتشارات سیج سپاسگزار باشیم.

مقدمه مؤلف

مهم‌ترین عنصر نظریه‌پردازی، داشتن بینش خلاق در مورد پویایی‌های مؤثر در جهان اجتماعی است. بینش خلاق شامل عناصر زیر است: (۱) کشف خصوصیات عام و کلی سازمان اجتماعی، که همیشه در زمان کنش انسان، کنش متقابل و سازمان‌دادن آن قابل استفاده است؛ (۲) جداسازی فرایندها و نیروهای مهم که عملکرد آنها از این ویژگی عام مشتق می‌شود؛ (۳) بیان مفاهیمی که به معنی جزء اصلی این ویژگی است و (۴) توسعه مدل‌ها و اصول انتزاعی که روابط میان مفاهیم ذکرشده در عناصر تشکیل‌دهنده خصوصیت عام را تبیین می‌کند.

شما متوجه خواهید شد که من تا این نقطه، بر قالب‌بندی یا شکل نظریه‌پردازی تأکید نکرده‌ام صورت‌بندی بینش خلاق، آخرین مرحله در نظریه‌سازی است، نه اولی. مرحله آن، آنچه که در ابتدا لازم است، داشتن بینش خلاق نسبت به یک ویژگی مهم است و پس از آن - و تنها پس از آن - ما باید برای توسعه مفاهیم، مدل‌ها و اصولی که ساخت عناصر این ویژگی را تبیین می‌کند، تلاش کنیم.

زمانی که کتاب نظریه‌سازی در جامعه‌شناسی منتشر شده بود، جامعه‌شناسی آمریکا دوره‌ای را پشت سر گذاشته بود که در آن جامعه‌شناسان و فیلسوفان علم تلاش داشتند یک روش‌شناسی برای نظریه‌پردازی ارائه کنند. درواقع، این روش‌شناسی مجموعه نسبتاً دقیقی از دستورالعمل‌ها برای صورت‌بندی کردن نظریه‌ها بود. آنها همچنین نگاه علمی‌تری داشتند. کتاب‌های بسیاری در مورد چنین موضوع‌هایی نوشته شده است: مانند نظریه‌سازی، ساخت نظریه، صورت‌بندی کردن و سایر موضوعات؛ اما همه این تلاش‌ها درواقع، استدلال‌هایی بود در زمینه اینکه چگونه یک نظریه را تشریح کنیم. پس از اینکه مرحله اول را پشت سر گذاشتیم، بینش خلاق را ایجاد می‌کنیم. اما، دلالت روشنی وجود دارد که اگر کسی از این مراحل فرموله کردن پیروی کند، نظریه‌های بهتری شکل خواهد گرفت. درواقع آنچه که احتمال دارد

اتفاق بیفتد این است که این مراحل برای نظریه‌های نه‌چندان خوب، به صورت رسمی بیان شوند. اما صورت‌بندی کردن برای یک نظریه خوب، به کار گرفته نشود. درواقع، یک نظریه خوب، چیز مهمی را تبیین می‌کند که پایه و اساس کنش انسان، کنش متقابل و سازمان می‌شود. فرموله کردن تئوری پس از شکل‌گیری بینش‌های خلاق، کم‌اهمیت می‌شود. صورت‌بندی کردن تئوری‌ها خودی خود، بینش خلاق را ایجاد نمی‌کند. علاوه بر این، من استدلال می‌کنم که بی‌توجهی به صورت‌بندی کردن، شیوه‌ای برای ایجاد چنین بینش‌هایی خواهد شد.

در بدین مرحله گذشته، این احساس وجود داشت که صورت‌بندی کردن، مسائل نظریه‌پردازی در جامعه‌شناسی را حل خواهد کرد. اما با وجود این، صورت‌بندی ساختارمند، شناختی نظریه‌پردازی نبود. مسئله‌ای که بود و تا به امروز هم وجود دارد، این است که بیشتر نظریه‌پردازان نظریه‌پرداز نیستند. بحث مهمی که نظریه در جامعه‌شناسی نامیده می‌شود، تاریخ ایده‌ها و مطالعات متون جامعه‌شناسان کلاسیک، تقسیم‌بندی‌ها، بحث‌های معرفت‌شناسی و تبیین دقیق هر چیزی است که براساس آن، مشخص شود که جهان اجتماعی واقعاً چگونه عمل می‌کند.

هر جامعه‌شناس و اندیشمند علوم اجتماعی در هر موضوعی، باید در مورد چند مسئله مهم تصمیم‌گیری کند. اول اینکه آیا می‌تواند جامعه‌شناسی را به عنوان علم در نظر بگیرد؟ اگر پاسخ «بله» است، پس مسائل نظریه‌سازی مهم هستند. اگر پاسخ «نه» باشد، نظریه‌پردازی مهم نیست. در اینجهان اجتماعی به وسیله مجموعه کوچکی از نیروهای جهانی در همه زمان‌ها و مکان‌ها ساخته می‌شود. اگر پاسخ «بله» است، پس تئوری‌سازی مهم است. اگر پاسخ «نه» است، صورت‌بندی کردن بی‌ربط است. سوم اینکه، اگر پاسخ شما به دو سؤال بالا «بله» است، پس وظیفه شما آشکار است: تلاش برای کشف نیروهای بنیادی که ویژگی‌های کلی سازمان اجتماعی انسان را ایجاد می‌کند. به علاوه، اگر کسی می‌خواهد نیروهای ایجادکننده کنش انسان و کنش متقابل را هم کشف کند. چهارم، وقتی این نیروهای محرک عملکرد

خصوصیات جهانی از هم مجزا شوند، باید به‌طور شایسته با مفاهیمی که بر ماهیت پدیده نظریه‌پردازی دلالت دارد، مفهوم‌سازی شوند. پنجم، وقتی که این کار انجام شد، ترسیم مفاهیم فرعی پویایی‌های ذاتی پدیده را توسعه می‌دهد. ششم، روابط بین این مفاهیم باید بیان شود؛ خواه با مدل‌های انتزاعی، یا خواه اصول نظری انتزاعی. اینها در ابتدا نیازمند این نیستند که به‌صورت رسمی بیان شوند؛ بلکه فقط نیازمند تعیین نیروهای دقیقی هستند که نقش اصلی را دارند. ایده‌ها بعداً می‌توانند توسط خود نظریه‌پرداز صورت‌بندی شوند، یا به‌وسیله دیگران با نظریه مورد بررسی قرار گیرد. آشکار است که صورت‌بندی موضوعات برای نظریه‌پردازان و محققان دیگری که می‌خواهند یک نظریه را کنترل کنند، مزیت دارد. تئوری‌هایی که مبهم هستند یا به‌صورت پراکنده در متن بیان شده‌اند، معمولاً پر از ابهام هستند. این نیروها همه تئوری‌هایی هستند که با یک تئوری کار می‌کنند یا برای ایجاد منابعی که ممکن است یک نظریه‌پرداز آنها را در نظر گرفته باشند، یک تئوری را مورد بررسی قرار می‌دهند.

نظریه‌هایی که توسط نویسندگان فصل‌ها در این کتاب ارائه شده، به‌خوبی مشخص شده‌اند، زیرا همه آنها بخش خلاق دارند، و این نظریه‌ها به درجات مختلف، صورت‌بندی شده‌اند. اگرچه همه توافق ندارند که این مرحله دوم لازم یا مطلوب است. برای من، اینکه یک نظریه‌پرداز یک نظریه را صورت‌بندی کند، تفاوت زیادی ندارد. زیرا من با کسانی دیگر، این کار را به‌طور خاص برای یک نظریه انجام می‌دهیم، اگرچه همان‌طور که در بالا یادآوری شد، اغلب وقتی که متن یا جملات مبهم هستند، این منابع لازم و ضروری است.

در سال‌هایی که تئوری‌سازی در رشته جامعه‌شناسی منتشر شد، من فعالانه به دنبال شکل‌دادن یک نظریه کلی بودم که پویایی‌های عملی، فرایندهای سطح خرد یا کنش متقابل در برخوردها را مورد تبیین قرار دهد و پدیده‌های سطح کلان، پویایی‌های نهادها، نظام‌های قشربندی، جوامع و درون جوامع را مورد بررسی قرار می‌دهد. واقعیت اجتماعی سطح میانه

ترکیبی از واحدهای شرکت‌ها است که تقسیم کار در آنها برای رسیدن به اهداف آشکار است.

شکل ۱ یک نظریه نیست، بلکه تنها یک طرح برای دلالت داشتن بر آن چیزی است که من اعتقاد دارم قالب‌ریزی اساسی یا ویژگی‌های اساسی سازمان اجتماعی است. این مسئله در سه سطح آشکار است: کلان، میانه و خرد. وظیفه ما به عنوان نظریه‌پرداز، تبیین این مسئله است که این خصوصیات جهان اجتماعی، چگونه عمل می‌کنند. پاسخ من این است که آنها توسط نیروهایی در سطح کلان و خرد ایجاد می‌شوند. این نیروها در سمت چپ شکل ذکر شده است. نیروها، برای من، خصوصیات واقعیت هستند که با شناسایی خود، عملکرد و تغییرات را در سطح کلان و خرد، ایجاد می‌کند. سطح میانه، به نوبه خود، توسط این نیروها از بالا تحت فشار قرار می‌گیرد. در سطح کلان توسط اندازه جمعیت (تراکم، تنوع)، تولید، تولید مثل، توزیع و قواعد تحت تأثیر قرار می‌گیرد. این نیروها در سطح کلان، احتمالات اساسی زندگی اجتماعی هستند. آنها افراد و کنش‌گران جمعی را برای پیدا کردن راه حل‌ها برای مسائلی که با آن مواجه می‌شوند، تحت فشار قرار می‌دهند. خواه این مسائل در زمینه تغذیه جمعیت عظیم باشد و خواه تولید کالاهای کافی، شبهه‌هایی برای تولید مثل افراد و سازمان‌دهی ساختارهای زندگی آنها، توزیع اطلاعات افراد و منابع یا قاعده‌مند کردن و هماهنگی فعالیت‌ها از طریق جابه‌جایی و رت ایجاد خواهد کرد. به منظور مواجه شدن با این فشارها، واحدهای میانی در سطح میانه شکل می‌گیرد، تمایز قطعی شکل می‌گیرد و دستیابی افراد به موقعیت‌های واحدهای همکاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد که زمینه‌های نهادی را تشکیل می‌دهد. از آنجاکه واحدهای همکاری منابع ارزشی را توزیع می‌کنند، ساختار نظام قشربندی در یک جامعه را نیز تعیین می‌کنند. بنابراین قالب‌ریزی واحدهای همکاری حوزه‌های نهادی هستند: مانند اقتصاد، حکومت، دین، خویشاوندی، آموزش و پرورش، علوم، هنر، ورزش، قانون و غیره. درحالی‌که واحدهای قطعی قالب‌ریزی، سیستم‌های قشربندی

هستند. به دلیل اینکه توزیع منابع براساس جنسیت، قومیت، وابستگی مذهبی و غیره صورت می‌گیرد که تقریباً همیشه نابرابر است و منجر به شکل‌گیری یک نظام طبقاتی می‌شود که در آن، اعضای واحد قطعی یا بیش از حد یا کمتر از حد خود نشان داده می‌شوند. جوامع به‌نوبه خود از حوزه‌های سازمانی و سیستم‌های طبقه‌بندی ساخته شده‌اند و اجتماع بین سیستم‌ها از روابط میان جوامع و نهادهای مهم آنها، مانند حکومت، اقتصاد و مذهب ساخته است.

در سلاح خرد، هرگونه برخورد در حوزه کنش‌های متقابل توسط نیروها، مشخص شکل می‌گیرد. این نیروها عبارتند از: احساسات، نقش‌ها، پایگاه‌ها، اظہار انگیزه‌ها یا نیازهای تبدلی، فرهنگ، جمعیت‌شناسی و بوم‌شناسی مرعیت. بنابراین، آنچه که در برخوردها اتفاق می‌افتد به وسیله ظرفیت‌هایی که در سطح حری تعیین می‌شود، در سطح خرد ایجاد می‌شوند، که نه تنها برخوردها را ایجاد و حفظ کرده یا تغییر می‌دهند، بلکه واحدهای قطعی و یکپارچه را جایگزین آنها می‌کنند. در مقابل، وجود واحدهای قطعی و یکپارچه، به‌ویژه هنگامی که در حوزه‌های نهادی و قشربندی جایگزین می‌شوند، محدودیت‌هایی را در برخورد ایجاد خواهد کرد.

بنابراین هیچ‌کدام از نکاتی که در بالا گفته شد، نظریه نیست به بیان دقیق‌تر، شکل ۱، آنچه را که یک نظریه باید تبیین کند مشخص کرده است؛ یعنی برخوردها، یکپارچگی و واحدهای قطعی، حای نهادهای، نظام‌های قشربندی جوامع و نظام‌های درون جامعه. اما شکل ۱ را به بخشی از شیوه‌ای هدایت می‌کند؛ زیرا ما اکنون درباره ویژگی‌های کل جهان اجتماعی و نیروهای محرک عمل آنها چیزهایی می‌دانیم نظریه در حال حاضر باید شرایطی را تبیین کند که تحت آن، ظرفیت نیروها افزایش یا کاهش می‌یابد. پس از آن، این مسئله مهم است که آنها چگونه پویایی‌های برخوردها، واحدهای قطعی، حوزه‌های نهادی، نظام‌های قشربندی جوامع و سیستم‌های درون جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بنابراین، رویکرد من

با ویژگی‌های کلی جهان اجتماعی روشن می‌شود. نیروهایی که عملکرد آنها و روابط میان این ویژگی‌ها، از آن ناشی می‌شود.

در سه جلد از اصول نظری جامعه‌شناسی، من تئوری را به‌عنوان مجموعه‌ای از اصول انتزاعی در نظر گرفته‌ام که این پویایی‌ها را تبیین می‌کند. این نظریه نشان‌دهنده تلاشی در جهت انباشتگی نظری است. من به دنبال سنتز تئوری‌های موجود برای تولید یک نظریه قوی‌تر و کلی‌تر هستم که بتوانم بتواند چگونگی عملکرد جهان اجتماعی را تبیین کند. من به‌وضوح در این مقدمه کوتاه نمی‌توانم این مسئله را مطرح کنم. اما این مسئله نقطهٔ برج سال‌ها کار در صورت‌بندی نظریه است؛ یعنی استخراج بینش‌های مهم - لاق- که من فکر می‌کنم مهم هستند- و در کنار هم قراردادن این تئوری‌ها با یکدیگر، یک نظریهٔ عام‌تر را ایجاد می‌کند. صورت‌بندی بخش از تجربه در کتاب اصول نظری جامعه‌شناسی، در آخرین بحث جلد ۳ مطرح شده است، گزاره‌ها یا اصول مقدم، شیوه‌ای برای بیان روابط بین نیروها و جهان اجتماعی و همین‌طور اصول این امر است که جهان اجتماعی چگونه عمل می‌کند.

این انباشتگی نظری، نظریه‌ها را مورد آزمون قرار نمی‌دهد، بلکه آنها را با یکدیگر یکپارچه می‌کند. آنها پدیده‌ها را درست و عمق بیشتری مورد تبیین قرار می‌دهند. این وعده‌ای بود که در فصل‌های کتاب نظریه‌پردازی در جامعه‌شناسی دربارهٔ آن مطالبی نوشته شده بود. امروز ما در موقعیت بهتری، آن را با نظریهٔ کلی دربارهٔ جهان اجتماعی تحقق می‌بخشیم.

جانانان اچ ترنر، دانشگاه کالیفرنیا، ریورساید، ایالات متحده آمریکا

استاد:

جانانان اچ ترنر، مبانی نظری جامعه‌شناسی، ۳ جلد، نیویورک: اسپرینگر، ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲.